

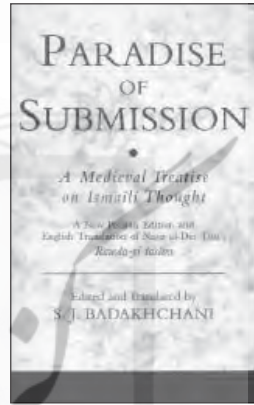
نزاری، سراینده دیوان قائمیات) از نوشته‌های پراکنده
خواجه نصیر گردآوری کرده است (همان‌جا). در این
اثر، به ترتیب از اثبات صانع، نفس، عقل، هیولی، بهشت
و دوزخ، مبدأ و معاد، تهذیب اخلاق و تبیین نبوت و
امامت سخن می‌رود.

نخستین بار ولادیمیر ایوانف این رساله را تصحیح
کرد و با برگردان انگلیسی آن، در سال ۱۹۵۰م در بمبئی
به چاپ رساند. ویراست جدید این اثر، به کوشش سید
جلال حسینی بدخشانی، همراه با ترجمه انگلیسی متن و
مقدمه‌ای از هرمان لندلت به سال ۲۰۰۵م از سوی موسسه
مطالعات اسماعیلی در لندن منتشر شده است. اصل این
تحقیق، رساله دکتری مصحح در دانشگاه آکسفورد بوده
که در سال ۱۹۹۰م با راهنمایی ویلفرد مادلونگ از آن
دفاع کرده است.

مصحح، مقدمه فارسی کوتاهی در آغاز متن فارسی
جای داده و یادداشت‌ها و نمایه‌ها را به دنبال متن انگلیسی
آورده است. او در ویراست حاضر، به نسخه‌های متعدد اثر
مراجعه کرده و با توجه به آنکه همه نسخه‌ها دچار اغلاط
و آشفتگی در ضبط متن بوده‌اند، در تصحیح آن کوشش
بسیاری به خرج داده است. با همه کوشش‌های مصحح،
ویراست حاضر خالی از اشکال نیست. نخست اینکه این
متن هیچ سازواره منظمی از نسخه‌بدل‌ها ندارد؛ مصحح
برای تفصیل نسخه‌بدل‌ها به پایان‌نامه منتشرنشده خود
ارجاع داده و در پانویشت‌ها تنها به ذکر مواردی پرداخته
که متن به طور مقایسه‌ای تصحیح و بازسازی شده است؛
با این همه مصحح اختلاف‌های قابل ذکر یکی از نسخه‌ها
را (که تنها شامل سه تصور است) نیز در پانویشت‌ها به
دست داده است (ص ۷)، و در هر حال مشخص نیست
که مصحح چه ملاکی برای ثبت نسخه‌بدل‌ها داشته است
و چرا از ذکر ضبط‌های مهم و قابل ذکر نسخه‌های دیگر
چشم پوشیده است. برخی پاراگراف‌بندی‌های مصحح
نیز با سیاق متن هماهنگ نیست (برای نمونه، نک: ص ۸،
که جداسازی پاراگراف ۱ و ۲ نادرست است، همچنین:
صص ۷۳-۷۴، ۱۵۳-۱۵۶، ۱۵۷-۱۵۶، ۱۶۱-۱۶۳، که با
توجه به موضوع متن می‌توان پاراگراف‌ها را به شکل
بهتری — گاه با عدم جداسازی — مرتب کرد). برخی
اغلاط چاپی (مثلاً ص ۱۳۴: مُتنبی = متنبی، توالد =
توالد)، اشکالات فواصل کلمات، برخی اغلاط غیرچاپی



روضه تسلیم (تصورات)، خواجه نصیرالدین طوسی،
تصحیح و ترجمه انگلیسی از سیدجلال حسینی بدخشانی.
NewYork- London, the Instiute of Ismaili Studies
- I.B. Tauris Publishers 2005, 220 + 287pp.



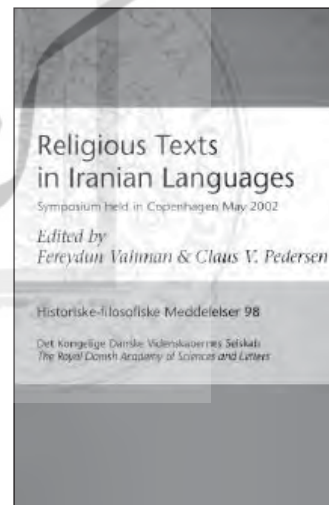
خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ق) دانشمند نام‌آور
ایرانی، آثار گوناگونی در حوزه‌های مختلف علوم، از
عروض و منطق گرفته تا فلسفه و کلام و علوم محضه،
پدید آورده است. در این میان آثار کلامی خواجه نصیر
(به‌ویژه تجریدالاعتقاد) که وی طی آنها به اثبات و تبیین
عقاید شیعه امامیه پرداخته، دارای اهمیت خاصی است.
از سوی دیگر اسماعیلیان نزاری نیز از دیرباز آثاری به
زبان فارسی به طوسی نسبت می‌دهند که مندرجات آن
دفاع و تشریح عقاید اسماعیلیان نزاری دوره الموت
است. مهم‌ترین این آثار روضه تسلیم (یا تصورات)
است. این کتاب از ۲۷ تصور (در برخی نسخه‌ها: ۲۸
تصور) تشکیل شده است و به تصریح مؤلف موضوع آن
(«مبدأ و معاد و اخلاق و معاملات») است. (روضه تسلیم،
ص ۸). این کتاب را حسن محمود کاتب (شاعر و منشی

مثلاً ص ۶۷: «نه» که باید به «سه وجه» تصحیح شود، ص ۲۰۶: بطر)، رسم الخط قرآنی نامأنوس (ص ۶۸، بخش ۱۴۳) و برخی تناقضها (مثلاً پانوشتهای ص ۲۱۳) نیز در متن کنونی دیده می‌شود. صفحه‌آرایی متن فارسی کتاب می‌توانست بهتر از این باشد. مثلاً از شکل سرصفحه‌ها (که عنوان یا شماره تصورات کتاب در آن نیامده) گرفته تا عدم درج حروف سه‌نقطه‌ای (در سراسر کتاب)، افتادگی‌ها (مانند پانوشته ۱ ص ۱۰)، و تکرارها (مانند صص ۱۱-۱۲: عنوان تصور بیستم)، که رعایت همه این نکات خواننده را در بهره‌برداری بیشتر از متن رهنمون می‌شد.

ح.م

متون دینی به زبان‌های ایرانی

Religious Texts in Iranian Languages (Symposium held in Copenhagen May 2002), edited by Fereyduh Vahman & Claus V. Pedersen, the Royal Danish Academy of Sciences and Letters, Copenhagen 2007.



در ماه مه ۲۰۰۲م همایشی با عنوان «متون دینی به زبان‌های ایرانی» برگزار شد که در آن پژوهشگرانی از سراسر جهان، از جمله از ایران، درباره نوشته‌های دین‌های مختلف به زبان‌های ایرانی باستان، میانه و نو مقالاتی ارائه کردند. مجموعه این مقالات را دکتر فریدون وهمن و دکتر کلاوس پدرسن، استادان ایرانشناسی دانشگاه کپنهاگ دانمارک، گردآوری و ویرایش کردند و

در مجموعه انتشارات آکادمی علوم و ادبیات این کشور به چاپ رساندند.

مجموعه با یادداشتی به قلم گردآورندگان آغاز می‌شود که در آن، ایران به عنوان زادگاه بسیاری از جنبش‌های معنوی و دینی معرفی شده است و علاوه بر دین زردشتی، پیروان ادیان دیگر نیز در این سرزمین، به رغم تنگناها و دشواری‌ها، بر دین خود استوار ماندند؛ و در کنار همه اینها نقش مهمی در بالندگی عرفان و ادبیات عرفانی جهان داشته است. در ادامه به تأثیر باورهای دینی در تحولات دهه‌های اخیر ایران اشاره شده و گزارشی کوتاه و خواندنی هم درباره سرآغاز پژوهش‌های خاورشناسی در دانمارک (در سده هجدهم میلادی) آمده است. در پایان، مجموعه به دو استاد فقید ایرانشناسی، دکتر احمد تفضلی و دکتر یس پتر آسموسن، تقدیم شده و توضیحی مختصر درباره آنان آمده است. مرگ دکتر تفضلی، استاد برجسته زبان‌های باستانی دانشگاه تهران در دی ماه ۱۳۷۶ یعنی شش سال پیش از برگزاری همایش، در تهران رخ داد و دکتر آسموسن نیز که استاد ایرانشناسی دانشگاه کپنهاگ بود، فقط چند ماه پس از برگزاری همایش درگذشت.

مقالات این مجموعه — به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی — بر اساس دوره‌های زبان‌های ایرانی و نیز ادیان مورد بحث، ذیل عناوینی چون «پژوهش‌های عمومی»، «اوستا و هندوایرانی»، «ایرانی میانه»، «دین زردشتی در دوره اسلامی»، «نخستین سده‌های اسلامی و دوره کهن»، «یزیدیان»، «ادیان بابی و بهایی»، و «متون اسلامی سده بیستم» دسته‌بندی شده‌اند.

برگردان فارسی عناوین شماری از مقالات این مجموعه چنین است: «شریعت ایرانی در متون و نوشته‌ها»، شائول شاکد؛ «درباره ساختار منظوم گاهان اوستا»، آلموت هیئتسه؛ «گاهان سروده و زردشت سراینده»، مارتین شوارتس؛ «یسنای اوستا: اسطوره و آیین»، پرودس اکتار شروو؛ «مضمون اساطیری زمستان بزرگ در سنت‌های ایرانی باستان»، آندرس هولتگارد؛ «زیادار و زردشت»، آناهیت پریخانیان؛ «خدا و هماوردش در مانویت»، ورنر زوندرمان؛ «درباره نسک‌های حقوقی دینکرد»، ماریا ماتسوخ؛ «خورنه اوستایی در متون فلسفی پهلوی چگونه تفسیر شده است؟»، فیلیپ ژینیو؛ «ملاحظاتی



گزارش میراث

دربارهٔ پیدایش خط پهلوی در دورهٔ ساسانی»، دیترو ویر؛ «دو رسالهٔ زردشتی موسوم به "علمای اسلام"»، فرانسوا دوبلوا؛ «نکاتی چند دربارهٔ نیروی جادویی کلام مقدس در سنت ایرانی»، فریدون وهمن؛ «استفاده از فارسی به منزلهٔ زبان دینی نخستین سده‌های اسلامی»، نصرالله پورجوادی؛ «پیدایش تفسیرهای قرآنی در فارسی دری»، محمدجعفر یاحقی؛ «فارسی، زبان دل در کشف‌الاسرار میبیدی»، آنا بل کیلر؛ «آیا دیوان حافظ متنی دینی است؟»، فین تسن؛ «ام‌البشر نزد یزیدیان»، گارنیک آساطوریان؛ «علی شریعتی و کویر»، کلاوس پدرس.

بهرام ورجاوند

اداءالمفروض من شرح ارجوزة العروض، شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی، قم، ۱۴۲۸ق.



این کتاب شرح منظومه‌ای است به نام «الیتیمه» در علم عروض از شیخ مصطفی تبریزی عالم و فقیه معروف تبریز (متولد ۱۲۹۷ و متوفی ۱۳۳۷ق) که شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی از فحول علمای اصفهان آن را به نثر شرح کرده است. اصل منظومه در ۹۸ بیت است که در آن عروض عربی را به طریق خلیل بن احمد به رشته نظم کشیده است و پنج دایره و سجور پانزده‌گانهٔ خلیل و بحر شانزدهم یعنی متدارک را که اخفش اوسط (متوفی ۲۲۱ ق) از شاگردان خلیل افزوده است با زحافات و علل آنها شرح داده است و شارح، یکایک بیت‌ها را توضیح داده است و سپس محقق و مصحح کتاب، شیخ مجید هادی‌زاده، مبهمات و مشکلات شرح را در تعلیقات خود (از ص ۲۳۴ تا ص ۲۴۷) شرح داده است که شامل ۶۲۱

عنوان است؛ یعنی در هر جای شرح منظومه که مشکلی یا توضیحی لازم بوده است، شماره‌ای قرار داده و سپس آنها را به ترتیب در تعلیقات روشن کرده است.

مصحح در مقدمهٔ خود شرح زندگی ناظم و شارح را به تفصیل آورده و سپس راجع به نسخه‌های خطی کتاب که متن را از روی آنها تصحیح کرده است، بحث کرده و گفته است که از این کتاب دو نسخه موجود است: یکی به خط شیخ علی جواهری از نواده‌های شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر (۱۳۲۲-۱۴۱۵ق) که در ۱۳۵۷ق نوشته است و دوم به خط حضرت امام خمینی (ره) که در ۱۳۴۶ از روی نوشتهٔ شارح استنساخ کرده است. کتاب با فهرست قوافی اشعاری که به شاهد ذکر شده است و نیز فهرست مصاریع، خاتمه یافته است و منابع تصحیح محقق کتاب نیز که شامل ۸۱ جلد کتاب است، در آخر آمده است.

اینکه علمای اسلام علوم را به نظم آورده‌اند برای آن بوده است که طلاب آنها را حفظ کنند و بدین ترتیب مسائل علوم در ذهن آنان مرکوز گردد. مثلاً اغلب طلاب الفیة ابن مالک را حفظ می‌کردند و در موقع لزوم به ابیات آن استناد می‌کردند و این شاید تنها کتابی باشد که چنین وسیع مورد اقبال دانشجویان صرف و نحو واقع شده است و من به یاد نمی‌آورم منظومه دیگری را که با آن از لحاظ شیاع و رواج برابری کند. چنانکه منظومهٔ سبزواری در منطق و حکمت را کمتر کسی حفظ می‌کرد و جز ابیات پراکنده‌ای از آن در خاطرها نمی‌ماند. اکنون این کتاب منظومه‌ای است در علم عروض عربی که خود به حد کافی علمی مشکل و پیچیده است و نظم آن به شعر جز افزودن به پیچیدگی آن نمی‌تواند ثمری داشته باشد ولی به هر حال زحمات شارح و محقق در زنده کردن این اثر و شرح مبهمات و مشکلات آن قابل تقدیر است.

مصطفی ذاکری

دفتر اسناد، (جلد دوم و سوم)، به کوشش زهرا طلایی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ش، ۵۷۲ص.

بی‌تردید آستان قدس رضوی از مهم‌ترین مراکز نگاهداری نسخ خطی و اسناد ایران‌زمین است. توجه جدی این مرکز به انجام پژوهش در حوزهٔ تاریخ و فرهنگ و نسخ

و اسناد در سال‌های اخیر ستودنی است. محور اصلی این پژوهش‌ها آستان قدس، شهر مشهد و خراسان پژوهی است، که خود بخش مهمی از موضوع ایران‌شناسی را دربر می‌گیرد. از جمله کارهای ارزشمند منتشر شده در چند سال گذشته، مجموعه‌ای با عنوان «دفتر اسناد» است که تا کنون دو مجلد از آن منتشر شده است: دفتر اول این مجموعه در سال ۱۳۸۱ش منتشر شده و دفتر دوم و سوم — که بنا بر اطلاعات فیبا ظاهراً در سال ۱۳۸۴ش آماده انتشار بوده — با دو سال تأخیر، اکنون در اختیار پژوهندگان است.



اسناد موجود در آستان قدس رضوی اگر چه اسناد پس از دوره صفوی را دربر می‌گیرد، اما خود مجموعه‌ای ارزشمند به‌ویژه برای مطالعات تاریخ آستان قدس و تاریخ پانصد سال اخیر است.

مقالات این شماره عبارت‌اند از: معرفی نایب‌التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه، علی سوزنجی کاشانی؛ متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه، ابوالفضل حسن‌آبادی؛ بررسی اسناد زنان شاغل در حرم امام رضا (ع) از دوره صفویه تا قاجار، زهرا طلایی؛ بررسی چند طومار تاریخی از دوره صفویه تا قاجاریه، الهه محبوب؛ بست و بست‌نشینی در حرم امام رضا (ع)، محمد حبیبی؛ نگاهی به انجام مراسم جشن و سرور در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع)، سالم حسین‌زاده سورشجانی؛ سقا و سقاخانه در حرم رضوی، الهه محبوب؛ نمونه مهر متولیان دوره قاجار، بهزاد نعمتی؛ زندگی‌نامه خودنوشت حاج حسین‌آقا ملک، به کوشش زهرا طلایی و محمدباقر کفشدار طوسی؛ چهره بازارهای قدیمی مشهد، فاطمه جهانپور؛ محله‌های قدیمی مشهد:

محله عیدگاه، محمد نظرزاده؛ کفشداری هندی‌ها، محمد نظرزاده؛ معرفی سایت‌های تاریخ شفاهی در جهان، ابوالفضل حسن‌آبادی.

اگرچه معمولاً برای مجموعه مقالات فهرستی تنظیم نمی‌شود، این دفتر سه نمایه اشخاص، اماکن و اصطلاحات را با خود دارد و کار پژوهش و جستجو را راحت‌تر می‌کند؛ با این همه فهرست نام‌ها مشکل دیگر فهرست‌های معمول را با خود دارد و پیش‌نام‌های حاج و حاجی و شیخ و سید و غیره، عملاً نظم الفبایی را به هم زده و امکان بازیابی نام‌ها را با مشکل جدی روبرو می‌کند.

لازم می‌دانم در همین‌جا این نکته را نیز یادآور شوم که استفاده از امکانات رایانه‌ای اگر چه تسهیلاتی را برای ارائه بهتر تصاویر در اختیار ما گذاشته است، اما متأسفانه بی‌توجهی اهل رایانه به اصالت نسخ و اسناد عملاً باعث شده است تا به عنوان نمونه در مجموعه حاضر بیشتر تصاویر، اندازه و شکل و حالت واقعی نداشته باشند. رعایت این مسئله به ویژه برای پژوهش‌های سندشناسی امری است که نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت.

عمادالدین شیخ‌الحکامی

سده اصفهان

Le siècle d'Ispahan, Francis Richard, October 2007, 127p.

کتابی کوچک در معرفی اصفهان عصر صفوی که اطلاعات مختصر و مفیدی درباره شهر اصفهان و حکومت صفوی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. کتاب حاوی تصاویر زیبایی از اماکن تاریخی اصفهان و آثار هنری ایران است که در کنار چاپ عالی کتاب، به خوبی بیانگر زیبایی آثار نشان‌داده شده است.

کتاب در چهار فصل اصلی تنظیم شده است که عبارت‌اند از: «آغاز یک سلسله»، «شاه عباس کبیر»، «اصفهان، نصف جهان»، «عظمت و افول».

فصل نخست با گزارش مختصر تاریخ ایران از سقوط ساسانیان تا آغاز حکومت صفوی شروع می‌شود و با ارائه شرح حالی از اجداد شاه اسماعیل صفوی به چگونگی آغاز فعالیت‌های سیاسی او می‌پردازد. مؤلف انتخاب مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران در



گزارش میراث

عصر صفوی را عامل اصلی بازگشت وحدت ملی ایران برشمرده است و از سوی دیگر این انتخاب را عامل تمیز ایران از دولت‌های عثمانی و ازبک، همسایگان سنی‌مذهب ایران، می‌داند. در توضیح هنر و فرهنگ ایران در آغاز عصر صفوی، مؤلف با اشاره به این مطلب که هنر و ادبیات بخش مهمی از زندگی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، به گوشه‌ای از آموزش‌های اصلی شاهزادگان صفوی اشاره کرده است و در نهایت نیز چگونگی گردآوری «شاهنامه طهماسبی» را با جزئیات نسبتاً کاملی بیان کرده است.



استفاده می‌کنند: «اصفهان، نصف جهان»، و این عنوانی است که ریشار آن را برای فصل سوم کتاب در نظر گرفته است. در این فصل مختصری از تاریخ اصفهان، پیش از آنکه پایتخت حکومت صفوی شود، بیان شده است و سپس چگونگی انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان در زمان حکومت شاه عباس کبیر، در سال ۱۵۹۲م گفته شده است. ادامه این فصل به بیان جزئیات کاملی از چگونگی ساخت اصفهان جدید در عصر صفوی اختصاص داده شده است. مؤلف در این قسمت، ضمن توضیح تمام عمارات محوطه میدان نقش جهان و ویژگی‌های تک‌تک آنها را بیان می‌کند و اطلاعات جامعی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. وی همچنین در بخش‌های مختلف هنر، مذهب، چگونگی ارتباط با سفرای اروپایی و اقتصاد ایران و به ویژه اصفهان را در عصر شاه عباس بررسی کرده است.

فصل چهارم کتاب به شاهان پایانی حکومت صفوی و دوران عظمت اصفهان و بیان چگونگی سقوط ناگهانی آن اختصاص دارد. مؤلف عملیات عمرانی را که در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صورت گرفته است، مانند ساخت عمارت چهل‌ستون و پل خواجه به دست شاه عباس دوم، بیان کرده است. در بخش پایانی این فصل هم چگونگی شورش افغان‌ها و سقوط سلطنت صفوی شرح داده شده است.

حنیف قلندری

العبدالعالم: المهنج و الحیة (دراسة شاملة و موسعة عن حیاة الخضر و تاریخه من خلال القرآن و السنة و التاریخ)، عماد الهلالی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، ۴۰۰ ص، عربی.

خضر (ع) یکی از مردان الهی است که در سنت‌های دینی — به‌ویژه اسلامی — جایگاه خاصی دارد. جلوه‌های این شخصیت را در سنت اسلامی می‌توان از منظر ادبی، تاریخی، جامعه‌شناختی و تلقی‌های گوناگون است که شخصیت او را در پاره‌ای از پرسش‌ها فرو برده، مانند اینکه خضر پیامبر بود یا بنده دانای خدا؟ از فرشتگان بود یا از جنس بشر؟ آیا زنده است؟ و اگر آری، چه هنگام بازمی‌گردد؟ و

کتاب حاضر، می‌کوشد گزارشی جامع و شامل از

فصل دوم اختصاص به چگونگی شروع حکومت شاه عباس اول و اتفاقات دوران حکومت او دارد. در این بخش عمده اقدامات سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نظامی شاه عباس معرفی شده است. در کنار این مسائل مؤلف مختصری هم از روابط هند دوره گورکانی را با اروپاییان بیان کرده است. پایان این فصل به اقتصاد و تولید ابریشم در ایران اختصاص دارد و تلاشی که در دوران شاه عباس برای انحصار تجارت آن در ایران صورت گرفت، بررسی شده است.

ژان شاردن، تاجر و سیاح فرانسوی که در زمان سلطنت عباس دوم و سلیمان از اصفهان دیدار کرده است، در سفرنامه‌اش اصفهان را بزرگ‌ترین شهر جهان در عصر خویش دانسته است و از زبان مردم اصفهان مثلی را نقل می‌کند که امروزه نیز ایرانیان درباره اصفهان از آن

زندگانی خضر را بر پایه نصوص قرآنی، احادیث و روایات تاریخی عرضه کند و تحلیل‌ها، مباحث پیرامونی و آرای دانشمندان گوناگون در باب وی را گرد آورد و به بحث بگذارد. کتاب از مقدمه، پنج فصل و خاتمه تشکیل شده است: فصل نخست به ولادت و خاستگاه خضر می‌پردازد و از اسم، نسبت، پیوند او با ذوالقرنین و... سخن می‌گوید. فصل دوم به تفصیل از داستان معروف «موسی و عبد عالم» — که در قرآن آمده و در تفاسیر «عبد عالم» خضر دانسته شده — بحث می‌کند و از جوانب گوناگون کلامی، تفسیری، ادبی آن را برمی‌رسد. فصل سوم در باب اینکه آیا خضر پیامبر بود یا نه سخن می‌گوید و اقوال و دلایل موافقان و مخالفان را باز می‌گوید. فصل چهارم از جایگاه باطنی خضر نزد متصوفه سخن به میان می‌آورد و به موضوعاتی چون نوشیدن آب حیات می‌پردازد. فصل پنجم نیز از ادعیه منسوب به خضر، مانند دعای کمیل، گفتگو می‌کند. در خاتمه نیز از جایگاه ویژه خضر، خضر در روایات اسرائیلیات سخن رفته و آثار قدیم و جدیدی که درباره خضر نوشته شده فهرست گردیده است. کتاب با فهرس چندگانه پایان می‌پذیرد.

از مؤلف اثر حاضر، پیش از این کتابی با عنوان *حیاه الخضر: عرض و دراسته در سال ۱۴۲۴ ق در ۱۶۴ صفحه در بیروت منتشر شده بود.*

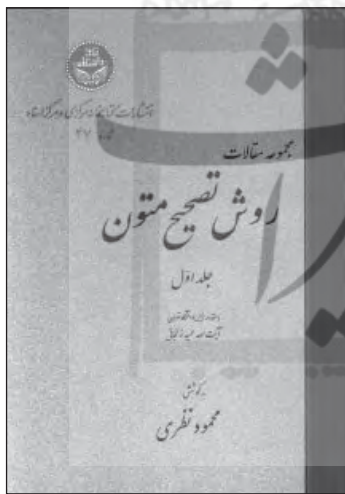
ح.ع

مجموعه مقالات روش تصحیح متون، به کوشش محمود نظری، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، یازده + ۳۷۲ ص.

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقاله‌هایی درباره روش تصحیح متون که به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شده است. جلد اول این مجموعه که اینک منتشر شده، مشتمل بر هجده مقاله است بدین ترتیب:

روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، عبدالحسین زرین‌کوب (ص ۱- ۱۹)؛ روش تصحیح نسخه‌های خطی، صلاح‌الدین منجد، ترجمه حسین خدیوچم (ص ۲۱- ۶۶)، روش تصحیح و نشر متون، مهدی محقق (ص ۴۷- ۵۶)؛ روش علمی برای تصحیح متون، مسعود فرزاد (ص ۵۷- ۷۷)؛ روش تصحیح متون فارسی، تقی بینش (ص ۷۹- ۱۳۹)؛ تحقیق در کتب خطی، محمد

التونجی (ص ۱۴۱- ۱۵۰)؛ فن تصحیح متون، مصطفی جواد، ترجمه علی محدث (ص ۱۷۷- ۱۷۷)؛ نکته‌هایی در باب تصحیح متون، احمد سمیعی (ص ۱۷۹- ۱۹۳)؛ از گردآوری نسخ تا تصحیح انتقادی، رنه ولک و اوستن وارن، ترجمه پرویز مهاجر و ضیاء موحد (ص ۱۹۵- ۲۱۲)؛ عشق و ایمان به کمال، اسماعیل رضوانی (ص ۲۱۳- ۲۲۵)؛ تصحیح متون خطی، غلامرضا ستوده (ص ۲۲۷- ۲۵۱)؛ محدث ارموی و تصحیح متون، رحمان مشتاق‌مهر (ص ۲۵۳- ۲۷۶)؛ آشنایی با شیوه تصحیح نسخه‌های خطی، محمود نظری (ص ۲۷۷- ۲۸۷)؛ روش تصحیح نسخه‌های خطی، نصرت‌الله فروهر (ص ۲۸۹- ۳۰۲)؛ تصحیح و راهکارهای آن با نگاه به دو تصحیح کتاب مکاسب، سید محمدجواد شبیری (ص ۳۰۳- ۳۲۸)؛ توضیحی در باب روش تصحیح متون کهن به شیوه علمی-اجتهادی، محمدمهدی ناصح (ص ۳۲۹- ۳۳۸)؛ شیوه‌های نقد و تصحیح متون، جلیل مسگرنژاد (ص ۳۳۹- ۳۴۵)؛ تصحیح متن و تعلیقه‌نویسی بر آن، بشار عواد معروف، ترجمه علی محدث (ص ۳۴۷- ۳۷۰).



همگی این مقاله‌ها پیش از این در نشریات فارسی زبان و یا برخی کتاب‌ها منتشر شده‌اند. هرچند گردآوردن این مقاله‌ها که به طور پراکنده و در سال‌های دور و نزدیک منتشر شده، در حد خود فوایدی دارد، اما گردآوری آنها بدون نظم موضوعی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نه تنها خواننده مبتدی را یاری نمی‌کند، چه بسا او را با برخی تناقض‌ها و سردرگمی‌ها هم روبرو سازد؛ به ویژه آنکه سطح علمی مقاله‌های این مجموعه یکدست نیست؛ برخی ضعیف است، برخی کهنه و قدیمی شده است،



مترجمان را از نشر دوباره آثارشان باخبر کرد، از آنها اجازه گرفت و حقوق معنوی (گذشته از حقوق مادی که جای خود دارد) آنان را پاس داشت. چه بسا برخی از آنان با نشر دوباره نوشته خود موافق نباشند یا اضافات و اصلاحاتی بر آن داشته باشند.

گردآورنده اظهار امیدواری کرده است که جلد‌های دیگر این مجموعه را نیز آماده سازد (ص یازده).
ه.ع

فی‌نامه (چهار رساله درباره مولانا)، تحشیه و تعلیق: خلیل‌الله خلیلی. با مقدمه، تصحیح و فهارس عفت مستشارنیا. تهران، عرفان، ۱۳۸۶ش، ۳۹۷ص.



فی‌نامه اثری است شامل چهار رساله که سه بخش آن را سال‌ها قبل سخن‌سرای نامور زبان دری نویسنده صاحب‌نظر خلیل‌الله خلیلی (۱۲۸۳-۱۳۶۷ش) تدوین و تألیف کرد. خلیلی از دانشمندان، شاعران و متجددین معاصر افغانستان است که تحصیلاتش را در کابل به پایان رساند در دوره امان‌الله خان مدتی تبعید شد، ولی پس از آن به حکومت مزارشریف رسید. در رژیم جدید افغانستان مجدداً تبعید گردید، ولی بعد از آن به نیابت ریاست دانشگاه کابل برگزیده شد. مدتی نیز سفیر افغانستان در سعودی و عراق بود. پس از عوض شدن حکومت به آمریکا و سپس به پاکستان رفت و تا پایان عمر در آنجا به سر برد. خلیلی شعر فارسی سبک خراسانی را بسیار خوش و محکم می‌سرود. وی از صاحب‌نظران در تاریخ ادبیات مشترک ایران و افغانستان به شمار می‌رود. دیوان شعر و آثار متعددی از او باقی مانده است.

بعضی شبیه ستایش یا درد دل است، و البته بعضی نیز علمی است و دارای مطالب نو. از سوی دیگر، شاخص ترتیب مقاله‌ها مشخص نیست، همین اندازه پیداست که الفبای نام نویسندگان یا تاریخ نگارش آنها ملاک ترتیب مقالات نبوده است.

اگر قصد گردآورنده محترم به دست دادن مقاله‌های مکتب تصحیح ایرانی است، درج مقاله‌های استادان عرب یا اروپایی (ترجمه شده به فارسی) و جهی ندارد؛ اگر چنین نیست مقاله‌های بسیار دیگری نیز باید به این مجموعه افزوده شود؛ هم‌چنانکه بسیاری از دقیق‌ترین مباحث تصحیح متون فارسی (ایرانی) نیز در مقدمه مصححان متون آمده که جای آنها در این مجموعه خالی است؛ همان‌گونه که رساله‌های سامانمند مستقلاً نیز در سالیان اخیر در باب تصحیح متون منتشر شده، مانند کتاب استاد مایل هروی که تحریر دوم آن با عنوان تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی در سال ۱۳۸۰ش منتشر شده است. پس به جای گردآوردن مقاله‌هایی که مطالبی را به طور کلی و عام بازمی‌گویند، اکنون می‌باید به دنبال دقیق‌ناگفته در تصحیح متون بود (مانند مقاله آقای محمدجواد شبیری در همین مجموعه).

وضعیت کتاب‌آرایی این اثر نیز مطلوب نیست. صرف‌نظر از اغلاط چاپی و سهل‌انگاری در رعایت فاصله‌ها و... پی‌نوشت‌های مقالات، همانند اصل چاپ نخست آنها، برخی در ذیل صفحات آمده است و بعضی به صورت مسلسل در پایان هر مقاله، که گردآورنده محترم می‌توانست طبق یک شیوه آنها را یکدست کند. فهرست منابعی که در پایان اثر آمده نیز مشخصات کتابشناختی همان کتاب‌ها و مجلاتی است که این مقاله‌ها از آنجا اخذ شده است؛ با توجه به اینکه در پی‌نوشت نخست هر مقاله مشخصات چاپ پیشین آن درج شده، طبعاً درج دوباره آنها (با عنوان «منابع») توجیهی ندارد. چه خوب بود که به جای این فهرست تکراری، گردآورنده با درج نمایه‌ای از اعلام و مفاهیم به خواننده جدی‌تر یاری می‌رساند.

در پایان باید نکته مهمی را نیز یادآوری کرد و آن اینکه گردآورنده در چاپ دوباره مقاله‌های این مجموعه به کسب اجازه کلی از نویسندگان در قید حیات بسنده کرده است (ص یازده). حال آنکه قاعدتاً باید مؤلفان و

کانون و کلاهی دادگستری و چند نشریه دیگر به چاپ رسیده است. موضوع اکثر این مقاله‌ها، نقد کتاب و یا بررسی نسخ خطی است. مؤلف علاوه بر این مقالات شماری آثار، تالیفی و به ویژه تصحیحی دیگر نیز دارد. چاپ و نشر این گونه آثار، برخی به دست خود مؤلف و برخی به دست دیگر پژوهشگران، کاری مفید است که گنجینه‌ای ارزشمند را که حاصل تحقیقات و تلاش سالیان متمادی یک مؤلف است به دست می‌دهد. خواننده را با جریان فکری و حوزه‌های پژوهشی مؤلف آشنا می‌کند و گستره متنوعی از موضوعات را فرا روی وی می‌نهد و از سوی دیگر فرصتی مناسب، برای علاقه‌مندانی که موفق به مطالعه آنها در مجلات مختلف نشده‌اند، فراهم می‌آورد.



کتاب با پیشگفتاری از مؤلف آغاز می‌شود و سپس مجموعه مقالات می‌آید که در پنج بخش مختلف بدین شرح جای گرفته‌اند: بخش اول: مباحث کلی و نقد کتاب‌های مرجع؛ بخش دوم: تاریخ و جغرافیای تاریخی؛ بخش سوم: ادبیات؛ بخش چهارم: بررسی و معرفی چند نسخه خطی؛ بخش پنجم: گوناگون و کوتاه. در ذیل هر مقاله مشخصات محل چاپ پیشین آن درج شده است. بخش نخست شانزده عنوان مقاله دارد که عبارت‌اند از: نخستین بایگانی ملی در ایران؛ کتابسازی و پخته‌خواری؛ کتابخانه مجلس، گنجینه‌ای کم‌نظیر؛ چند سند تازه درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی؛ نشریات ایران: از آغاز تا امروز؛ بررسی رساله‌ها و اسناد تاریخی سفینه تبریز؛ مآخذی اساسی در تحقیقات ایرانی، کتابنامه بزرگ زبان

خلیلی در مقدمه مفصل این اثر به معرفی مولانا جلال‌الدین بلخی و سفر و ارتباط او با دیگر شاعران می‌پردازد. قسمت دوم این مجموعه، رساله نی‌نامه مولانا یعقوب چرخ‌چی است به همراه شرح زندگانی او. به نظر نویسنده او اولین شخصی است که اسلوب غریب و ساخت خاص مثنوی را روشن ساخته است. نی‌نامه چرخ‌چی شرح و تفسیری است بر ابیات ابتدای مثنوی که به «نی‌نامه» شهرت یافته است. قسمت سوم، رساله نایه مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی است که دو بیت اول مثنوی را به صورت منظوم شرح و تفسیر کرده است. این اثر یک بار در ۱۳۳۶ ش و بار دیگر در ۱۳۵۲ ش به چاپ رسیده است.

اینک خانم دکتر عفت مستشارنیا همان کتاب را به همراه تفسیری دیگر به نام «رودبار نی» که قسمت جدید نی‌نامه را تشکیل می‌دهد، مجدداً تدوین کرده است. «رودبار نی» اثری است منظوم و منثور از صوفی شوریده‌حال که بهایی‌جان (۱۳۱۳-۱۳۹۳ ق/ ۱۳۵۱ ش) نام دارد. خلیلی در زمان تدوین نی‌نامه با بهایی‌جان روابطی نزدیک و دوستانه داشته و مکاتباتی متعدد بین آنها رد و بدل شده است. گویا قرار بوده است که «رودبار نی» نیز به پیوست نی‌نامه به چاپ رسد، اما چون این کتاب در آن زمان کامل نشده بود توفیق انتشار نیافته است. مشوق و محرک بهایی‌جان در این اثر خود خلیلی است که در جای جای اثر از او نام برده می‌شود. بهایی‌جان در رودبار نی سفر روحانی خویش را با هجرت مولانا از بلخ تا قونیه هماهنگ می‌سازد. در نظر او انبیا، اولیا و مولانا نه تنها نی‌های جدامانده از نیستان‌اند، بلکه هر انسانی بالقوه همان نی است که در طلب نیستان وجودی خویش است.

این اثر به همراه چندین فهرست متفاوت از طرف انتشارات عرفان روانه بازار گردیده است.

مهدی هادی

هفت اقلیم، مجموعه مقالاتی اثر سید علی آل داود، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش، ۷۷۰ ص.

این اثر حاوی یکصد و پنج مقاله کوتاه و بلند است که بیشتر آنها در مجله‌های معتبر دو دهه اخیر چون نشر دانش، نامه فرهنگستان، معارف، نامه پارسی، آینه میراث،



فارسی؛ عصر شکوفایی دائرةالمعارف‌نگاری؛ فرهنگ شهرها و روستاهای ایران؛ فرهنگ تألیفات زبان فارسی؛ فرهنگنامه کودکان و نوجوانان؛ گنجینه‌ای کم‌نظیر در شناسایی نسخ خطی فارسی؛ دانشوران معاصر ایران از نگاه اسناد؛ از ایران چه می‌دانم؟؛ یادگار پیشوای مشروطه در کتابخانه مجلس.

مؤلف در این بخش افزون بر معرفی برخی از منابع مرجع در زمینه‌های ادبی و تاریخی به طرح نکاتی در باب رعایت حقوق مؤلفان و مترجمان نیز می‌پردازد که یادآوری آنها در هر دوره، برای محققان امری ضروری است؛ چنانکه مؤلف در مقاله «کتابسازی و پخته‌خواری»، به موضوع کپی رایت و رعایت کردن حقوق مؤلف و یا مترجم پرداخته و کوشیده است با ارائه برخی مسائل و مشکلات و طرح پیشنهادهایی برای حل آنها، به‌ویژه در رابطه با کتاب و کتابخوانی، گامی مؤثر در احیای جامعه فرهنگی بردارد.

بخش دوم هجده مقاله دارد که عبارت‌اند از: معمای «فتح‌نامه نابی»؛ نایب حسین کاشی از دیدگاه مجتهدی روشنفکر؛ شیوه‌های نو در تفسیر اسناد تاریخی؛ ناصرالدین شاه خاطره‌نویس؛ بررسی جنبش رژی از دیدگاه اقتصادی؛ پیدایش قاجارها در صحنه سیاسی ایران؛ جغرافیا در نخستین سده‌های هجری؛ ظفرنامه: تاریخ منظوم ایران از پیدایش اسلام تا زوال ایلخانان؛ شناخت سلسله‌های اسلامی از آغاز تا اکنون؛ تکملة الاخبار: کتابی برجسته در تاریخ عمومی؛ ساحل‌نشینان کویر؛ تحقیق یا تحریف؛ ترکمانان ایران در آستانه ظهور صفویه؛ اثری تازه در ظهور صفویه؛ گز ترش: زندگی و آثار خان ملک ساسانی؛ خوی در گذرگاه تاریخ؛ گامی تازه در راه یزدشناسی؛ خلیج فارس از نگاه اسناد بریتانیا؛ نقش بریتانیا در کودتای تحولات پس از آن؛ پیشه‌وری و آذربایجان در خاطرات سرتیپ درخشانی؛ سیمای بیرجند در نود سال پیش؛ روضة الصفا: بزرگ‌ترین تاریخ عمومی زبان فارسی؛ ویژگی‌های هنری اسناد تاریخی ایران؛ ماوراءالنهر؛ افغان و هند در قرن نهم هجری؛ سعادت‌نامه؛ شناخت‌نامه اردستان؛ نگاهی به دفتر تاریخ؛ این جا تهران است: شیوه زندگی در تهران عصر قاجار؛ نامه مهم دهخدا و مدرس در پی بازگشت محمدعلی شاه به ایران؛ راس مال: الندیم اثری ناشناخته در تاریخ غزنویان؛ روش تاریخ‌نگاری

حقایق‌نگار خورموجی؛ تاریخ الفی: مفصل‌ترین اثر تاریخی عصر بابرین؛ زهت‌الاکهار: نخستین فارسنامه در دوره قاجار؛ شبه‌قاره در میان سالهای ۹۴۹ تا ۹۹۹ق، ایالت سند در عصر تیموریان؛ نگاهی به تاریخ جهان از دید دانشمندی مسلمان؛ نسخه خطی تازه‌یاب مجمل‌التواریخ و القصص.

در بخش سوم هجده مقاله با این عناوین آمده است: کهن‌ترین نسخه دیوان حافظ مورخ ۸۰۳ق؛ نخستین چاپ دیوان حافظ؛ سنت‌گرایی و تجددمآبی در سال‌های نخست سده حاضر؛ قصه‌های خواندنی؛ نوآوری در انتحال؛ مجموعه‌ای در عرفان و تصوف، شاهنامه فردوسی به تصحیح ملک‌الشعراى بهار؛ شعر فارسی در هند در اواخر عصر بابرین؛ دخمه ارغون؛ پارسی‌گویان یزد در اواخر عهد قاجار؛ سندبادنامه منظوم؛ شاعران قهوه‌خانه‌نشین، آتشکده آذر؛ تاریخ ادبیات فارسی: از دوران باستان تا عصر فردوسی؛ مناظره خزان و بهار؛ سفینه‌الفرامین؛ تاج‌القصص؛ منظومه‌ای نویافته از خواجه نصیرالدین طوسی.

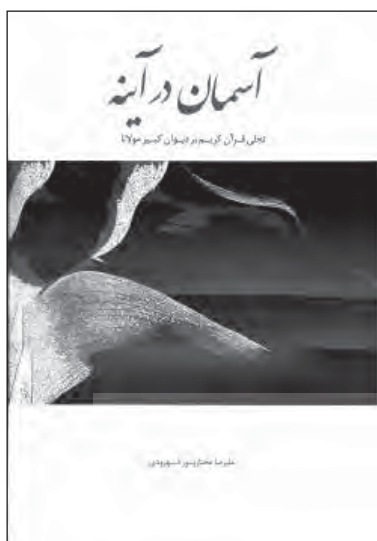
در بخش چهارم یازده مقاله درباره این کتاب‌ها آمده است: جهان دانش؛ عرفات العاشقین؛ چند سند تاریخی در دیوان ارسلان مشهدی؛ نوشته‌های تاریخی عبدی‌بیک شیرازی؛ تدوین اسناد تاریخی عهد قاجار؛ طوطی‌نامه؛ رساله کوتاه عرفانی؛ داستانی منظوم از منتخب‌السادات جندقی؛ منظومه عرفانی جبرئیل؛ نوش‌نامه؛ فرهنگنامه دانشوران ایران.

و بالاخره بخش پنجم ۲۴ مقاله در موضوع‌های متنوع تاریخی و ادبی دارد که بسا هر یک از آنها را می‌شد بنا به موضوع — در یکی از چهار بخش مذکور گنجانند. آنچه از مطالعه هفت اقلیم برمی‌آید، نشانگر توجه مؤلف در معرفی منابع مرجع، کتابخانه‌ها، آرشیوها و بیش از همه پرداختن وی به تصحیح متون متنوع و سپس نقد و معرفی کتاب است. نشانی ارجاعات مقاله‌ها به طور کامل در پانویس‌ها ذکر شده است.

گفتنی است، از آنجا که این مقالات مختلف در یک مجموعه گرد آمده است، بهتر بود شیوه ارجاعات پانویس‌ها یکدست می‌شد و سرانجام باید اشاره کرد که کتاب از چاپ و صفحه‌آرایی خوبی دارد.

لیلا رضایی

کتاب آسمان در آینه، تجلی قرآن کریم بر دیوان کبیر مولانا، علیرضا مختارپور، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ ش.



علیرضا مختارپور قهرودی، مؤلف این اثر، با بررسی و مطالعه بیت به بیت دیوان کبیر مولانا که به دیوان شمس مشهور است، راه شناخت بهتر مولوی پژوهان به اندیشه‌های مولانا را فراهم ساخته است. مطالعه و بررسی دیدگاه‌های مولوی درباره قرآن نباید صرفاً متکی به بررسی مثنوی معنوی باشد. از این روی، این گونه آثار کلید فهم بهتر شناخت مولوی به شمار می‌رود.

این کتاب را به تازگی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرده است. اهمیت این اثر در این است که مولوی تحت تاثیر شمس این دیوان را سروده است. بدین لحاظ بعد عرفانی دیدگاه‌های تفسیری مولانا را بیشتر از دیوان او می‌توان بازکاوید. چرا که محتوای غالب آنها در حالت شور و شوق و خلوص وصف ناپذیری سروده شده است. به عبارت دیگر گویا تمامی آن علوم و معارف که به زبان تمثیل و حکایت در مثنوی آمده، در قالب غزل ریخته شده و در دیوان کبیر بازتاب یافته که البته این مطلب در مورد آیات قرآنی نمود بیشتری دارد.

کتاب آسمان در آینه حجم و میزان کاربرد وسیع مولانا و اثرپذیری وی را از قرآن کریم نشان می‌دهد. این اثر که در واقع نوعی کشف‌الآیات موضوعی و تحلیلی قرآن است و اتفاقاً برای قرآن‌پژوهان نیز مفید است، تنوع بهره‌گیری مولانا از قرآن را نمایانده است. اینکه چه تعداد

زندگی و خدمات علمی و فرهنگی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر/ تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶ ش، ۲۸۳ ص.

هشتاد و هشتمین شماره از مجموعه زندگی‌نامه‌های محققان و اندیشوران معاصر، از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر منتشر شده است.

بدیع‌الزمان فروزانفر، از چهره‌های درخشان و از استادان بی‌بدیل تاریخ ادبیات ایران در سال ۱۳۲۲ ق دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۶۳ ش به رحمت الهی واصل شد.

فروزانفر خدمات علمی بی‌شماری به علم و ادب ایران کرده و آثار زیادی از جمله ۲۶۰ عنوان تألیف، تصحیح و ترجمه از خود برجای گذاشته است.

در پیشگفتار این کتاب که به قلم محمدرضا نصیری است، شرح حال مختصری از استاد فروزانفر آمده است. عناوین مقالات دیگر این کتاب بدین شرح است:



یک زندگی / علیرضا پوررفعتی؛ سبب اصلی عدم پیشرفت فردوسی در دربار غزنه / بدیع‌الزمان فروزانفر؛ سعدی و سهروردی / بدیع‌الزمان فروزانفر؛ تجدید عهدی با خاطره استاد / عبدالحسین زرین‌کوب؛ دریغاگوی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر / سیمین دانشور؛ پایگاه شرح مثنوی شریف در میان شروح مثنوی / رضا شجری؛ فزون ز جاه ملوک است جاه فردوسی / سجاد آیدنلو؛ سالشمار زندگی و کارنامه / عنایت‌الله مجیدی.

فاطمه شاملو



گزارش میراث

آیه در دیوان کبیر به کار رفته، کلمات و تعبیر قرآنی، نام سوره‌ها، ترجمه آیات به شعر، ذکر مضامین آیات و موارد دیگر همه معرف جایگاه والای معنوی مولاناست و البته او در این موضوع با حافظ شیرازی هم‌زمان است که: هر چه دارم از دولت قرآن دارم.

تألیف این اثر را به گردآورنده فاضل آن که سال‌ها برای این اثر زحمت کشیده‌اند تبریک می‌گوییم.
اکبر ایرانی

سیر تاریخی نقد ملاصدرا، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۶ش، ۲۹۹ص.



از زمان ملاصدرا تاکنون انتقادات و اعتراضات زیادی بر فلسفه او شده که کتاب سیر تاریخی نقد ملاصدرا تمامی آنها را طی دوازده مقاله (دو مقاله تازه و ده مقاله چاپ‌شده قبلی) در بر گرفته است. مؤلف محترم کتاب در پیشگفتار آن گوید: وقتی گفته می‌شود: نقد بر ملاصدرا این به دو معناست: یکی نقد ملاصدرا بر دیگران و دیگری نقد دیگران بر ملاصدرا. این دومی نیز تقسیماتی دارد: از گذشتگان باشد یا معاصران؛ از نواندیشان باشد یا سنت‌پرستان؛ از کسانی باشد که اصل حکمت متعالیه را قبول دارند یا از آنان که آن را رد

می‌کنند. (ص ۷). و آنگاه نقد بر صدرا را به روش وی در ارائه فلسفه‌اش بر می‌گرداند که «هیچ‌کس درباره ایشان دعوی عصمت نکرده، خودش هم چنین ادعایی نداشته است. بر عکس کسی که به میدان بحث و جدل می‌آید خود را در معرض نقد می‌گذارد و تا زنده بود از مباحثه و رد و ایراد و پرسش و پاسخ هیچ‌گاه دریغ نداشته و دل‌تنگی نشان نمی‌داده است، زیرا جرئت اندیشیدن داشته و به اندیشیدن حرمت می‌نهاده است» (ص ۲۹ - ۳۰).

در کتاب مزبور بر ملاصدرا در مسائل متعددی چون حرکت جوهری، اصالت وجود، تأویل آیات قرآن، معاد جسمانی، نفس و تطور آن، اعیان ثابت، اتحاد عاقل و معقول، عذاب دوزخیان، حشر و حوش، نحوه فاعلیت خدا، بسط الحقیقه... حیوانات و ادراکات جزئی، علم حق تعالی به اشیا و ... نیز اقتباس وی از دیگران (بدون ارجاع)، از سوی اصالت ماهیتی‌ها، شیخیه، متکلمان، مارکسیست‌های معاصر، طرفداران علوم جدیده نکته‌گیری شده و بنابر زمینه‌های فکری منتقدان و میزان مخالفت و موافقت آنان، پاسخ‌هایی به صدرا یا از هموارائه گردیده است. مؤلف محترم نیز که خود یکی از نقادان صدراست، نهایتاً فلسفه وی را «صلح کلی» بین مشاء و اشراق می‌داند (نک: ص ۱۲ - ۱۵). او «تأویل» غلیظ صدرالمتألهین را همسو با تلاش اکثر حکمای اسلامی جهت حفظ دین و فلسفه (باهم) می‌بیند. (رش: ص ۳۰-۳۱)

خلاصه کتاب سیر تاریخی نقد ملاصدرا (همچون یک مجموعه) می‌تواند درآمدی بر نقد حکمت متعالیه یا به تعبیری فلسفه اسلامی در زمان باشد و از این لحاظ به عنوان مرجع و هم‌فتح بابی جهت تحقیقات بیشتر مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد. همان‌طور که مؤلف محترم آن می‌گوید: در این بحث حقیقتاً در آغاز راه هستیم و اگر فلسفه‌های بزرگ را خوابهایی بینگاریم که باید تعبیر شود، به قول یکی از بزرگان «صعب بودنش آن است که در حذف زواید و مغیبات و پیدا کردن صورت اصلی باید تأمل کرد» (ص ۸).

ولی قیطرانی